

کتاب «انتخاب‌های سخت» خاطرات خودنوشت «هیلاری کلینتون» وزیر خارجه سابق آمریکا و همسر رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، «بیل کلینتون» است. بازخوانی این کتاب که چندی پیش منتشر شده به این جهت ضروری است که نوشته یکی از سیاستمداران بزرگ آمریکاست، کسی که سال‌ها زمام وزارت خارجه و سیاست‌های آن در دوره ریاست‌جمهوری «باراک اوباما» را در اختیار داشته و همچنین بازتاب نوع نگاه سردمداران ایالات متحده به ایران است. کلینتون یکی از مهره‌های اثرگذار در سپهر سیاست آمریکا و یکی از نامزدهای مطرح انتخابات ریاست‌جمهوری در ایالات متحده است.

می‌توان روال چاپ کتاب خاطرات سیاستمداران در آمریکا و انگلیس و نحوه ممیزی سازمان‌های اطلاعاتی سیا و ام‌ای ۶ را که نظرات‌های سختگیرانه و محکمی نیز اعمال می‌کنند بررسی کرد اما این مقاله مجالی برای این موضوع نیست ولی اشاره‌ای به این موضوع لازم‌است. چنین کتاب‌هایی با هماهنگی کامل سازمان‌های جاسوسی و امنیتی و پس از ممیزی فراوان و روند مهندسی ذهن، اجازه چاپ و نشر می‌گیرند تا بیشترین تاثیر را در افکار عمومی داخل و خارج آمریکا، هماهنگ با منافع سیاستمداران آمریکایی و صهیونیسم داشته باشند. «عبدالله شهبازی» در یکی از مقالات خود به نام «رشدیر ریپورتر و کودتای ۲۸ مرداد» به عدم اجازه سازمان جاسوسی انگلیس به چاپ کتاب خاطرات ریپورتر، جاسوس برجسته انگلیس در ایران پرداخته که در نهایت موفق به چاپ این کتاب نمی‌شود.

نکته دیگر حاکمیت تام و تمام سازمان‌های اطلاعاتی در تدوین سیاست خارجی کشورهای غربی بویژه آمریکاست. سیاست‌های سفرای آمریکا در صورتی می‌تواند مورد پذیرش مجموعه حاکمیتی آمریکا باشد که یا خود سفیر، مامور سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا «سیا» باشد یا گزارشات ماموران اطلاعاتی مستقر در کشور هدف، سیاست‌های سفیر را تایید کند. «احمد ساجدی» در کتاب «سازمان‌های جاسوسی دنیا» به شکل مبسوطی ساختار سازمان‌های جاسوسی و نحوه عمل آنها در سفارت‌خانه‌ها را تشریح کرده است. نگاهی به سفارت‌خانه‌های آمریکا در کشورهای جهان نشان می‌دهد این مراکز در واقع مراکز جاسوسی هستند به‌عنوان مثال تنها در سفارت آمریکا در بغداد چندین هزار نفر مشغول به فعالیتند.

رواlettنا خاطرات خانم کلینتون نیز با گذر از همین روال منتشر شده است و قطعه‌ای از پازل بزرگ سیاست آمریکا در جهان است. فصل هجدهم کتاب با نام «ایران: تحریم‌ها و رازها» موضوعات مرتبط با ایران در زمان وزارت خارجه خانم کلینتون است که در این نوشتار به تحلیل و بررسی آن می‌پردازیم که نشان‌های دشمنی عمیق آمریکا را بیان کنیم.

کلینتون در خاطرات خود به تلاش گسترده در سطح منطقه و جهان، جهت ایجاد اجماعی بین‌المللی برای اعمال تحریم ضدایران سخن رانده و با اشاره به بی‌حد مذاکرات هسته‌ای می‌نویسد: «اما امتیازی که ما در مذاکرات پیشنهاد می‌دادیم، می‌توانست سال‌ها کار دقیق و تشکیل اجماع بین‌المللی برای تحریم‌های شدید و افزایش فشار علیه رژیم تهران را خنثی کند.» وی می‌افزاید: «نادیده گرفتن روش دیپلماسی می‌توانست ائتلاف گسترده بین‌المللی را که برای اعمال و اجرای تحریم‌ها علیه ایران ساخته بودیم، تضعیف کند.»

کلینتون معترف می‌شود طرح آمریکا برای اعمال تحریم‌های جهانی علیه ایران طرحی بلندمدت است که فل‌از کار دولت‌های مختلف مدون شده و روش اجرای این سیاست، دیپلماسی است، چراکه ابزار نظامی این تلاش‌ها را ناکام می‌کند. وزیر سابق خارجه آمریکا در ادامه خاطرات خود با گذری به وقایع انقلاب ایران به بیان وقایع گروه‌گانی در سفارت آمریکا پرداخته و می‌نویسد: «در ده نوامبر سال ۱۹۷۹، رادیکال‌های ایرانی به سفارت آمریکا در تهران بورش بردند و ۵۲ آمریکایی را ۴۴۴ روز به گروگان گرفتند. این کار نقض وحشتناک حقوق بین‌الملل و تجربه‌ای دردناک برای کشور ما بود.» اما خانم وزیر به دلایل این حمله و اسناد موجود در سفارت آمریکا، اقدام به جاسوسی، هدایت اغتشاشات، قانون‌شکنی و تلاش برای سرنگونی انقلاب مردمی ایران اشاره نمی‌کنند(۱)

در ادامه کلینتون به تصویب ۵ قطعنامه برای توقف برنامه‌های ادعایی تسلیحاتی ایران اشاره می‌کند اما سوآلی که باقی است اینکه با استناد به چه اسناد و مدارکی این انحراف تسلیحاتی و تلاش برای ساخت سلاح هسته‌ای، اثبات شده است؟ دروغی که بالآخره ازاسن بین‌المللی انرژی اتمی آن را تایید نکرد، وی در ادامه به خلق نقشی منجی‌گونه برای آمریکا می‌پردازد و مدعی دریافت شواهدی از امکان دستیابی ایران به بمب اتم می‌شود که با اعمال موثر تحریم‌ها علیه ایران این اقدام متوقف شده است. اما سوال این است: چگونه ایران پس از سال‌ها و اعلام زمان‌های متوالی از جانب غربی‌ها برای دستیابی به سلاح هسته‌ای، هنوز نتوانسته به این تسلیحات دست پیدا کند؟! تحریم‌ها چگونه در ساختار علمی کشور ایران که در صنعت هسته‌ای متکی به داخل است، می‌تواند کارگر باشد؟ آیا توان



تبلور عمق دشمنی سیستم حاکمه آمریکا با ایران در خاطرات هیلاری کلینتون

انتخاب‌های سخت

- احسان کرمی**

علمی ایران کمتر از کره شمالی است؟ جواب این سئوالات تنها یک چیز است: «کینه و دروغ‌پردازی آمریکا علیه ایران.»

کلینتون سپس به استفاده از واژه «گزین‌ها» در سیاست خارجی آمریکا پرداخته و می‌نویسد: «واژه گزین‌ها بدون آنکه معنای خاص داشته باشد، این برداشت را ایجاد می‌کرد که گزین‌ها شامل اقدامات نظامی احتمالی نیز می‌شود.» در واقع خانم کلینتون به بیان این موضوع می‌پردازد که آمریکا هیچ‌گاه در خود توان تهاجم به ایران را نمی‌دیده اما تنها از این واژه برای فشار بر مردم ایران استفاده می‌کند.

وزیر سابق خارجه باراک اوباما، در ادامه به ارسال پیام‌های تبریک مناسبتی اوباما برای مردم ایران و همچنین ارسال ۲ نامه به رهبر ایران اشاره کرده و می‌نویسد: «هیچ یک از ما این توهم را نداشتیم که ایران قرار است رفتار خود را تنها به این دلیل که رئیس‌جمهور جدید آمریکا مایل به گفت‌وگو است، تغییر دهد اما معتقد بودیم تلاش برای تعامل می‌تواند موضع ما را در اعمال تحریم‌های شدیدتر، در صورت رد پیشنهادهایمان توسط ایران، تقویت کند. بقیه جهان می‌دیدند

ایرانی‌ها،نه آمریکایی‌ها، هستند که سرسختی می‌کنند. به این ترتیب احتمال آنکه از افزایش فشار بر تهران حمایت کنند، بیشتر می‌شد.» خانم کلینتون اینجا بیان می‌کند هدف از نزدیکی و گفت‌وگو با ایران نه حل مشکل بلکه ایجاد وضعیتی برای جلب حمایت جامعه جهانی از اقدامات بعدی آمریکا

علیه ایران است. یکی از نکته‌های بارز و نقطه اوج خاطرات خانم کلینتون در بخشی که به انتخابات سال ۸۸ ایران می‌پردازد، اعتراف به وجود مهره‌های نفوذی در ایران است. طبیعتاً کسانی که بتوانند انقلابی مخملی به مانند فتنه سال ۸۸ را برنامه‌ریزی کنند، نمی‌توانند افرادی عادی باشند بلکه همان نفراتی هستند که پروژه نفوذ در ایران را نیز پیگیری می‌کنند. شناخت و معرفی این دسته امری ضروری است که مشخص شود چه کسانی در پس پرده آشوب‌ها، فتنه‌ها، کودتاها و ترورهای ۴ دهه اخیر ایران هستند، کسانی که هر بار با رنگ و طرحی جدید برای انحراف یا نابودی انقلاب اسلامی ایران یا به میدان می‌گذارند.

کلینتون در ادامه خاطرات خود به موضوع نیاز ایران به اورانیوم ۲۰ درصد برای راکتور تحقیقاتی تهران و تامین رادیودارو برای بیماران ایرانی می‌رسد و با یادآوری این‌که نیاز ایران به کشورهای غربی برای تامین این سوخت، تلاش‌های «ایربرت» آنهاپورن» کارمند وزارت خارجه آمریکا که درصدد اجرای «طرحی خلاقانه» بوده را متذکر می‌شود. طرح خلاقانه آنهاپورن چیزی غیر از ارائه برنامه‌ای برای خروج اورانیوم با غنای پایین از ایران نبود. آمریکا پیشنهادهای می‌شد بخشی از اورانیوم غنی‌شده ایران را به عنوان یک اهرم فشار از ایران خارج کند و در صورت عدم موافقت ایران با این طرح، آمریکایی‌ها اقدام به شروع یک

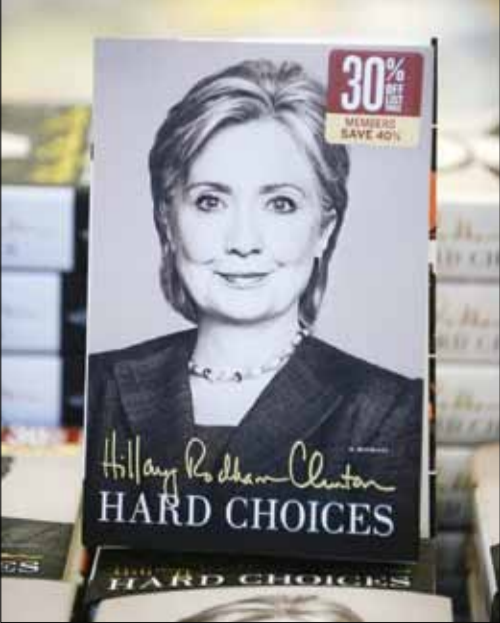


بازی دو سر برد و موج تبلیغاتی سنگینی می‌کرده‌اند که هدف ایران ساخت بمب اتم است به همین دلیل حاضر به خروج اورانیوم غنای پایین خود از کشور نیست: «.. ما به شما اصرار می‌کنیم این گزینه را انتخاب کنید، به خاطر مردم‌تان، به خاطر منافع‌تان و به خاطر امنیت مشترک ما.» اینها سخنانی است که کلینتون در نشست امنیت خلیج‌فارس سال ۲۰۱۰ در بحرین به هیات ایرانی حاضر در نشست در ریاست منوچهر متکی ابراز می‌کند. موضوعی که در این بخش از خاطرات خانم کلینتون بشدت آزردهنده است و ماهیت واقعی آمریکا را نمایان می‌کند، این است که خانم کلینتون خود اعتراف می‌کند آمریکایی‌ها به‌خوبی می‌دانند تحریم‌ها مردم را مورد فشار قرار می‌دهد اما ضروری است این فشار علیه مردم ایران اعمال شود و دیگر اینکه خلاف تمام ادعاهای آمریکا، مردم پشتوانه حکومت ایران هستند که برای تغییر رفتار نیاز به فشار به آنها آرام‌وار است.

وی در ادامه با اشاره به ۳ بار تلاش برای ایجاد ارتباط با هیات ایرانی حاضر در بحرین می‌نویسد: «البته اگر انصاف بدهیم، همین چند وقت پیش بود که ما با موفقیت در سراسر جهان کمپین‌ی را برای اعمال تحریم‌های فلج‌کننده علیه کشور او به راه انداخته بودیم. تعامل و فشار.. هویج و چماق. ماهیت دیپلماسی همین بود و ما درگیر یک بازی طولانی بودیم.»

فشار، جنگ و دیپلماسی و جنگی طولانی با ایران کلیدواژه این بخش است. در ادامه خانم کلینتون می‌گوید: «سناتور کری با یکی از عماتی‌های نزدیک به سلطان صحت می‌کرد و ما را در جریان اتفاقات قرار می‌داد.» سیاستمداران و سردمداران آمریکایی به صورت هماهنگ جهت پیشبرد منافع‌شان همکاری می‌کنند. همان سیاست طولانی که خانم کلینتون به آن اشاره و فارغ از دولت‌ها و افراد همیشه در حال پیگیری است تا ایران اسلامی به زانو درآید:

«در طول این دوره، حتی زمانی که کانال مخفی را پیگیری می‌کردیم، همزمان دالما برای افزایش فشارهای بین‌المللی علیه حکومت ایران و مقابله با جاه‌طلبی‌های تجاوزگرایانه آن کار می‌کردیم. یکی از اولویت‌هایمان گسترش همکاری‌های نظامی در خلیج‌فارس و استقرار منابع نظامی جدید در سراسر منطقه برای اطمینان دادن به شرکایمان و جلوگیری از تجاوزگری ایران بود.» این جملات عمق دشمنی‌های آمریکا با ایران را نشان می‌دهد زیرا ایران در ۲۰۰ سال گذشته به هیچ کشوری حمله نظامی نکرده و همین منابع امروز ابزار دست



در واقع نوع تفکر توسعه اسلامی موجب شکست اقتصادی و سیاست خارجی ایران شده اما به‌خوبی روشن است این امر به دلیل تحریم‌های ظالمانه آمریکا و غرب و همچنین همدستی نفوذی‌های غربگرای ایرانی است.

کلینتون سپس به ادامه تلاش‌ها در زمان دولت یازدهم برای مذاکره با ایران رسیده و می‌نویسد: «ماه اکتبر، کم‌کم مذاکرات رسمی ۵+۱ در ژنو آغاز شد، مذاکراتی که «وندی شرمن» ریاست هیات آمریکایی را در آن برعهده داشت. «برنز» و «سالیوان» هم شرکت داشتند اما اقدامات استادانه‌ای برای دور ماندن از چشم رسانه‌ها انجام می‌دادند، در جمله اقامت در هتلی جداگانه و ورود و خروج از درهای مخصوص خدمات». این بخش از خاطرات به‌خوبی نشان می‌دهد «ویلیام برنز» و «جیک سولیان» دستیاران خانم کلینتون در وزارت خارجه که طرح‌ریز و پیگیر ارتباط مستقیم با ایران از طریق کشور عمان و فراهم کردن شرایطی برای تحریم شدیدتر ایران بوده‌اند حتی پس از رفتن خانم کلینتسون از وزارت خارجه، در پس پرده به فعالیت وسیع و گسترده خود با وزیر جدید خارجه «جان کری» مشغول بوده‌اند.

هیلاری کلینتون در انتها با اشاره به توافق احتمالی در قالب برجام می‌نویسد: «همه مسائل دشواری که رابطه ایران با جامعه بین‌المللی را آلوده کرده بود، هنوز حل نشده بود. حتی اگر مساله هسته‌ای هم بعد از این همه مدت، به شکل رضایتبخش و با یک توافق قابل اجرا حل و فصل می‌شد، باز هم حمایت ایران از تروریسم و رفتار پرخاشگرانه این کشور در منطقه تهدیدی برای امنیت ملی ایالات متحده و متحدان ما محسوب می‌شد.» این جمله بیانگر این واقعیت است که هیات حاکمه آمریکا توافق هسته‌ای را تنها نقطه تقابل خود با ایران نمی‌داند و بدون شک پس از حل و فصل این مساله سراغ موضوعات جدیدی خواهد رفت و باز هم شاهد سیاست فشار و تحریم برای عقب‌نشینی ایران خواهیم بود.

خانم کلینتون در آخر بخش هشتم خاطرات خود بار دیگر به اقتصاد ایران پرداخته و می‌پرسد: «اگر ایران همین فردا به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند، آیا شغلی حتی برای یک نفر در کشوری ایجاد می‌شود که میلیون‌ها جوان در آن بیکار هستند؟ آیا یک ایرانی را به دانشگاه می‌فرستد یا جاده‌ها و بنداری را بازسازی می‌کند که هنوز از جنگ یک نسل پیش مالی معامله با یک کشور منفور در جهان را توضیح می‌داد.» عمق دشمنی و ضربات اقتصادی آمریکا به مردم ایران روشن است؛ در همین زمان آمریکایی‌ها فشار برای جایگزینی نفت ایران را بیشتر کرده و کمبود نفت ایران در بازار جهانی را توسط آنگولا، نیجریه، سودان جنوبی و کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس تامین می‌کنند. همچنین با حذف روش‌های جدید اکتشاف نفت، آمریکا در تولید نفت خود کفا شده و با عرضه نفت به بازار جهانی سعی می‌کند قیمت جهانی نفت را

بشدت کاهش دهنده؛ سیاستی که امروز نیز شاهد ادامه آن در بازار جهانی نفت هستیم: «تنها چیزی که برای ما مهم بود، نتیجه‌نهایی بود، نه اینکه مشت به سینه خودمان بزнім…» این سخن خانم کلینتون درباره سختی کار راضی کردن هند در عدم خرید نفت ایران است و در آخر به هندی‌ها تعهد می‌دهد تصمیم موافق سران هند را

تصمیم خود آنها در جهان اعلام کنند نه اعمال فشار آمریکا، پیداست آمریکا تنها به دنبال نتیجه دلخواه خود بوده و ابایی ندارد حتی در ظاهر خود را شکست‌خورده نشان دهد.

کلینتون به تورم بیش از ۴۰ درصد در ایران، کاهش صادرات نفت ایران از ۲/۵ بشکه به یکمیلیون بشکه در روز، عدم بیمه نفتکش‌های ایرانی و عدم سرمایه‌گذاری کشورها در ایران اشاره کرده و می‌نویسد: «ما همه تلاشمان را می‌کردیم تا مطمئن شویم تحریم‌ها، مردم ایران را از غذا، دارو و سایر کمک‌های بشردوستانه محروم نمی‌کند. من به دنبال فرصت‌هایی بودم تا تاکید کنم نژاد ما با دولت ایران است، نه شهروندان این کشور. از جمله مصاحبه‌ای با برنامه «پارازیت» در شبکه فارسی‌زبان «صدای آمریکا»، معادل برنامه «دیلی شو» کردم. مردم ایران سزاوار آینده‌ای بهتر بودند اما این امکانبندیز نبود، مگر اینکه مقامات این کشور رویه خود را تغییر می‌دادند.» این سخنان نشان می‌دهد سردمداران آمریکا خوب می‌دانسته‌اند تحریم‌ها فشارهای فراوانی به مردم ایران وارد خواهد کرد و هدف آنها تفرقه در صفوف دولت و ملت ایران و تغییر رویکرد آنها بوده است. این دشمنی تا جایی ادامه پیدا می‌کند که حتی برخی اقلام دارویی در ایران نایاب می‌شود.

خانم کلینتون در ادامه خاطرات خود به انتخابات سال ۹۲ می‌رسد و به نوع تفکری که مشکلی بزرگ برای آمریکا شده است یعنی توسعه اسلامی حمله می‌کند و بعدتر با اشاره به وضعیت اقتصادی ایران که آن را رو به سقوط بیان می‌کند به مخاطب خود القا می‌کند

■ ■ ■
خانم کلینتون در ادامه خاطرات خود به انتخابات سال ۹۲ می‌رسد و به نوع تفکری که مشکلی بزرگ برای آمریکا شده است یعنی توسعه اسلامی حمله می‌کند و بعدتر با اشاره به وضعیت اقتصادی ایران که آن را رو به سقوط بیان می‌کند به مخاطب خود القا می‌کند در واقع نوع تفکر توسعه اسلامی موجب شکست اقتصادی و سیاست خارجی ایران شده است

مقاومتی که در مقابل خود می‌بیند از نا می‌نشیند؛ تاریخ جنگ سرد به‌خوبی مؤید همین امر است. بنا به‌نگاهی به این خاطرات، تمام سازمان‌ها و رویه‌های موجود در دنیا می‌توانند تنها اهرمی برای سوءاستفاده سیستم حاکمه آمریکا باشند و از هیچ کاری برای پیشبرد منافع خود صرف‌نظر نمی‌کنند. هر روز بهانه‌ای جدید و هر روز فشاری جدید در راه خواهد بود و تغییر در سیاستمداران آمریکایی تنها روش‌ها را تغییر می‌دهد ولی در اراده کلی حاکم بر آمریکا تاثیری نخواهد داشت. در این‌میان تفاوت چندانی میان جمهوری خواهان و دموکرات‌ها وجود ندارد چه‌بسا جمهوری خواهان، همیشه مشروعیت خود را با توسل به جنگ و خونریزی خندشدار می‌کنند اما دموکرات‌ها با روش‌های موبیانه و با ظاهری آراسته ضرباتی به مراتب قوی‌تر و جبران‌ناپذیرتر به کشورهای وارد می‌کنند ضرباتی مانند تحریم‌های همه‌جانبه که در بلندمدت موجبات انشقاق، چنددستگی و تغییر رفتار را در مردم فراهم کند. توافقی با آمریکا در قالب برجام نباید ما را از کینه، دشمنی و پروژه نفوذ غافل کند و نباید اجازه بدهد این فکر شکل بگیرد که عقب‌نشینی از اصول می‌تواند رفتار دشمن را با ما نرم‌تر یا حداقل محترمانه کند. آمریکا تنها زمانی دست از کشورهای مخالف و دشمن خود برمی‌دارد که دیگر ماهیت اصلی و مستقل آنها را از داخل فروپاشانده و تهی کرده باشد. دشمنی‌ها ادامه خواهد داشت تا ایران اسلامی در رهبری ولایت فقیه به چیزی غیر آن تبدیل شود که هست و است. امروز، روز صلح با ایران است. نیت و هدف آمریکا از دادن امتیازات جزئی و ارتباط مستقیم هیچگاه نزدیکی واقعی و احترام به کشورهای دیگر نیست بلکه هدف آنها در نهایت تغییر رفتار یا به زبان دیگر تغییر نظام یا استحاله طرف مقابل است.

اشاره
تشیع شاهانه
علاق مذهبی در خاندان پهلوی و رواج «تشیع شاهانه» به‌علاق هر چند صوری و اثری رژیم پهلوی به مسائل مذهبی بازمی‌گردد که دست‌کم می‌توان ۳ علت را برای آن برشمرد: نخست، بدان دلیل که به طور سنتی خاندان پهلوی به نوعی «مذهب‌گرایی سنتی»، اگرچه منهای تدین واقعی، خو گرفته بودند و حتی شاه برای خود کراماتی هم قائل بود. ^(۱)
ثانیاً، سیاست مکر و فریب از ارکان سیاست‌های فرهنگی- مذهبی این رژیم به حساب می‌آمد بنابراین باید به‌گونه‌ای رفتار می‌کرد تا توده مردم که ایمان به اسلام و تشیع داشتند، به این دولت جذب شوند. ثالثاً، تدین عامل مهمی در برابر تبلیغات کمونیستی به حساب می‌آمد و این فواید زیادی برای رژیم پهلوی که ماهیت آن وابسته به نظام سرمایه‌داری بوده، داشت. کلنگ مسجد دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴ توسط شاه به زمین زده شد و این می‌توانست با ملاحظه همین جوانب باشد. درست به همین دلیل بود که پس از واقعه ۲۸ مرداد که خطر توده‌ای بزرگ نشان داده شده بود، رژیم دستور اجرای اجباری اقامه نماز را در دبستان‌ها و مدارس دولتی داد. ^(۲)
رابعاً، سیاست «سنت‌گرایی» که پیش از این وجود و حضورش را در بخشی از ارکان نظام پهلوی ملاحظه کردیم، به نوعی مبلغ و مروج نوعی خاص از مذهب و بیشتر در شکل شاهنشاهی آن بود. در این زمینه، اگر بخواهیم مجموعه‌ای از فعالیت‌های رژیم را درباره اسلام و تشیع فهرست کنیم، می‌بایست کتاب «شاهنشاهی و دینداری» را که «سید محمدباقر نجفی» نگاشته و به سال ۱۳۵۵ در ۱۵ هزار نسخه به صورتی نفیس و با کاغذ گالسنه به چاپ رسیده، ملاحظه کنیم. این کتاب آینه تمام‌نمای فعالیت‌های دینی دولت پهلوی است که با نگاه مثبت به نگارش درآمده است. در ادامه توجه مذهبی نظام شاهنشاهی، و حتی ایجاد پیوند میان این نظام و نظام سیاسی تشیع، «عسکر حقوقی»، استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه تهران هم چندین نوشته چاپ کرد. وی کتلی با عنوان «مذهب تشیع و آرمان‌های ملی ایرانیان» نوشت و تلاش کرد تا نظام شاهنشاهی را همان نظام سیاسی شیعه معرفی کند. وی پس از ارائه بحثی درباره اختلافات سیاسی مسلمانان بعد از رحلت پیامبر(ص)، به تدریج به قیام‌های ایرانی رسیده و ضمن عناوینی چون «علی و شاهزادگان ایرانی»، «شاه سلیه خاست»، «مفهوم واحد ایرانی و شیعه»، «شهربانو مادر ن امام»، «پادشاهی تالی پیامبری» و… تلاش کرده است تا تفاهمی میان مفاهیم سیاسی سلطنتی از یکسو و مفاهیم سیاسی اسلام شیعی – ایرانی پدید آورد. ^(۳) از همین نویسندگان کتلی هم با عنوان «مبانی ملی و اخلاقی و معنوی انقلاب اجتماعی ایران.» در سال ۱۳۵۶ انتشار یافت. چنانکه در همین زمینه کتلی هم با عنوان «انقلاب ایران و بنیادهای فرهنگی آن» و به‌سلیه «هنوچهر خدایان‌محبی» نوشته شد که بخشی از آن اختصاص به بحث پیش گفته داشت: تأسیس سپاه دین در سال ۱۳۵۰ یکی از مهم‌ترین مظاهر این سیاست مذهبی بود که با فرمان شاه تأسیس شد: نظر به اینکه بزرگداشت شاعر دین مقدس اسلام و ترویج احکام دین و حفظ معنویت جامعه پیوسته مورد توجه خاص ما بوده است و معتقدیم که جامعه ایرانی باید در زمینه‌های مادی و معنوی هماهنگ پیشرفت کند، به موجب این فرمان مقرر می‌داریم سپاه دین از مشمولان خدمت وظیفه عمومی که در رشته‌های دینی و علوم و معارف اسلامی تحصیل کرده‌اند تشکیل شود و به اجزای وظایف خود بپردازند. مسؤولیت اجرای این فرمان و اداره سپاه دین به عهده سازمان اوقاف خواهد بود – ۴ مرداد ۱۳۵۰- «سید محمد سعیدآبادی.»(۴) انقلاب اسلامی در یک تعریف، نوعی پیروزی ناقص سنت‌گرایی بر مدرنیسم بود. به همین دلیل، می‌توان گفت همه این اندیشه‌ها به نوعی به پیروزی آن کمک کرد اما از آنجا که فکر واحدی وجود نداشت و به علاوه بسیاری از مذهبی‌ها مثل «شریعتی» به‌گونه‌ای ناجور، میان مدرنیسم و سنت‌گرایی جمع کرده بودند، یا به عبارت بهتر ماده را مدرنیسم و صورت را سنت‌گرایی گرفته بودند – به عکس آنچه غالباً تصور می‌شود – وضعیت تفکر حاکم بر جمهوری اسلامی همچنان در ابهام ماند، و سردرگمی پدید آمده در آن ناشی از همان ابهام است. ^(۵)
بی‌نوشت:

۱- وی به این مطالب در بسیاری از نوشته‌هایش اشاره کرده و از جمله شرحی از آنها را برای یک فاحشه فرانسوی هم که گویی عاشق شاه‌شده بود، بیان کرده است، بنگرید به: لبی، ماری؛ عشق من به شاه ایران، ترجمه محمدعلی عریضی، ص ۵۴

۲- برگ‌هایی از تاریخ حوزه علمیه قم، صص ۷۹ – ۷۸

۳- حقوقی، عسکر؛ مذهب تشیع و آرمان‌های ایرانیان: تهران، ۱۳۵۰

۴- نجفی، محمدباقر؛ شاهنشاهی و دینداری، ص ۲۲۹

۵- همین که نسل نخست چاپ‌گرایان مسلمان ما در دوره اخیر به لیبرالیسم علاقه‌مند شده‌اند، از

روشن‌ترین علائم این اصل است که آنان ماده را تجدید و صورت را سنت‌گرایی ناقص گرفته‌اند. در این نگاه،

سنت‌گرایی در خدمت تجدد است. منبع: رسول جعفریان، سقوط، مجموعه مقالات همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی